

سنجش تاثیر کیفیت فیزیکی-کالبدی محیط شهری بر ارتقای حقوق شهروندی در کلان شهر شیراز^۱ ساناز کوثری داریانی

دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اسماعیل شیعه^۲

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فرح حبیب

استاد گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

چکیده

این مقاله به بررسی مبانی نظری مرتبط با حقوق شهروندی پرداخته و سپس به بررسی رابطه حقوق شهروندی بر کیفیت زندگی شهروندان از زندگی شهری می پردازد. هدف پژوهش کاربردی و روش به کار برده شده توصیفی-تحلیلی می باشد. مقاله ضمن بررسی مفهوم حقوق شهروندی، شاخص‌های حقوق شهروندی را بررسی کرده و سپس ارتباط آن با شاخص‌های کیفیت زندگی را تشریح می کند. نتایج نشان می دهد کیفیت زندگی مرکب از شاخص‌های متعددی است و تحقق آن نیازمند برنامه‌های توسعه‌ای است ولی نیازمند پیش‌نیازی مانند حقوق شهروندی است. در مقام مقایسه مفهوم حقوق شهروندی به خصوص در ایران از پشتوانه نظری کمتری برخوردار می باشد و عدم آگاهی و آموزش در خصوص حقوق شهروندی بر درک شهروندان از مفهوم رضایت تاثیر گذاشته و آن را تحت تاثیر قرار داده است؛ لذا از آنجایی که آگاهی شهروندان در خصوص حقوق شهروندی در پایین ترین سطح قرار دارد مطالبه گری که اصل اساسی حقوق شهروندی است عملاً بی معناست.

کلیدواژگان: حقوق شهروندی، کیفیت زندگی شهری، شهروندی، رضایت مندی.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری خانم ساناز کوثری داریانی با عنوان بررسی تاثیر حقوق شهروندی بر ارتقای سطح کیفیت زندگی شهروندان به راهنمایی آقای دکتر اسماعیل شیعه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران می باشد.

^۲ (نویسنده مسئول): es_shieh@iust.ac.ir

مقدمه

کیفیت زندگی اگرچه جذابیت و معنی عام دارد، یک تعریف پذیرفته عام ندارد. هر عبارتی که در تعریف کیفیت زندگی بکار رود، کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی اش و دریافت ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و نیز از خودش وابسته است. در بیان کلی، کیفیت زندگی به مولفه های کامیابی یا رضایت‌مندی بیشتر یا کمتر در زندگی مردم مربوط می‌شود. دستیابی به کیفیت زندگی اجتماعی و ایجاد آن یکی از مهم ترین دغدغه‌های کنونی در شهر به شمار می‌رود؛ زیرا کیفیت زندگی علاوه بر اینکه ضرورتی انسانی به شمار می‌آید، عامل مهمی در توسعه و پیشرفت یک جامعه است. تحولات ساختاری و کارکردی نظام‌های اجتماعی و سیاسی باعث ایجاد بسترهای متفاوتی در اداره امور شهرها شده است. شکل بندی و نقش دادن به بازیگران متفاوت عرصه شهری از جمله دولت، مردم، نهادهای مدنی و قانون گذار باعث شده است تا وظایف و تکالیف متقابل و دو سویه بین شهروندان و اداره کنندگان امور در سطوح ملی و محلی پدید آید. شهروندی پیوند میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند. شهروند بودن، در قدم اول به معنای اقدامی است که فرد در جهت قدرت‌بخشی به خود در برابر محیطی که در آن زاده شده است، انجام می‌دهند. شهروندی با سلطه ناسازگار است، خواه منشا سلطه دولت و خانواده باشد. می‌توان با سنجش نگرش افراد دارای سرمایه نمادین نسبت به حقوق شهروندی از میزان توجه و آگاهی این افراد نسبت به آن بیشتر آگاه شد و این آگاهی در ارایه راهکارهای مناسب در برنامه‌ریزی برای تصحیح آموزش یا گسترش بیشتر آن در جامعه به ما یاری رساند، چرا که شرط تحقق مردم سالاری، شهروندی و آشنایی با حقوق مربوط به آن می‌باشد و نمی‌توان تصور کرد که یک نظام سیاسی بدون تحقق شهروندی، بتواند مردم‌سالار باشد. به اعتقاد کارشناسان امور اجتماعی و جامعه شناسان شهر نشینان زمانی که به حقوق یکدیگر و قوانین اجتماعی احترام می‌گذارند و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهروندان دیگر و اجتماع عمل می‌نمایند به شهروند ارتقا می‌یابند. مفهوم «شهروند» نه تنها در جامعه‌ی شهری بلکه در جامعه‌ی استانی و کشوری هم قابل تعریف است و همچنین با توجه به پیشرفت‌های فن‌آوری ارتباطات می‌توان «شهروندی» را برای جامعه‌ی جهانی نیز در نظر گرفت. وقتی حقوق شهروندی و تعهدات به عنوان موقعیت رسمی نهادینه می‌شود، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب جامعه را به مردم اعطا می‌کند. شهروندی بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است. در کنار این منابع، سه نوع حقوق شهروندی نیز وجود دارد.

حقوق اقتصادی مربوط به نیازهای اساسی برای مسکن و غذا، حقوق فرهنگی شامل دسترسی به رفاه و تحصیلات و حقوق سیاسی مربوط به آزادی‌های فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی. اینها به حقوق اجتماعی متمایز از حقوق انسانی با فرض عضویت دولت - ملت مربوط می‌شود. بنابراین در تاکید بر ایده شهروندی، علاوه بر موقعیت حقوقی، نظارت بر دسترسی به منابع کمیاب و اعطای هویت فرهنگی به افراد و گروه‌ها نیز مطرح است (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۷). کیفیت زندگی به عنوان مفهومی برای نشان دادن میزان رضایتمندی فرد از زندگی و به عبارتی معیاری برای تعیین رضایت و عدم رضایت افراد و گروه‌ها، از ابعاد مختلف زندگی است و از کیفیت زندگی بیشتر با محیط طبیعی و شرایط خارجی زندگی افراد از قبیل آلودگی، کیفیت مسکن، جنبه‌های زیبایی شناسانه، تراکم، شیوع جرم و مانند این‌ها مرتبط است. این متغیرها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر بعلاوه، داشتن کیفیت زندگی سحیح رضایت افراد از زندگی شان دارند مطلوب همواره آرزوی بشر بوده و هست و با توسعه و پیشرفت شهرها رفته رفته بیشتر می‌شود (نورمن^۱، ۲۰۱۵: ۹). نگرانی از بحث‌های مربوط در و کیفیت زندگی، کی از مشخصه های جامعه معاصر است (پاسیون^۲، ۲۰۱۲: ۱۹).

کسب مهارت‌های شهروندی، یا به عبارت دیگر، تبدیل شدن به یک شهروند مؤثر و کارآمد، مستلزم آگاهی از حقوق و تکالیف، نگرش‌های قوام یافته نسبت به ارزش‌های اجتماعی، حساسیت نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم، احترام به شأن و منزلت انسانی و تلاش برای صلح و حفظ محیط زیست است. حقوق شهروندی جزء لاینفک جامعه مدنی و مبنای تشکیل آن به شمار می‌رود، چرا که امکان مشارکت داوطلبانه همه افراد را در تمام عرصه‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. شهروندی همواره یک ایده دو جانبه و همچنین یک ایده اجتماعی است. این ایده نمی‌تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد به دیگران رها کند. حقوق همیشه به چارچوبی برای پذیرش شان و مکانیسم‌هایی برای تحقق شان نیاز دارند. پس شهروندی، به مدد مجموعه حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۵). حقوق شهروندی از اهم مباحث حقوق بین المللی و حقوق ملل است و ارزش ذاتی این مقوله تا جایی است که آن را در شمار مباحث محوری حقوق معاصر قرار داده است. بحث حقوق شهروندی و حقوق بشر در اعلامیه استقلال آمریکا و

¹ Norman

² Pacion

اعلامیه حقوق بشر و شهروندان فرانسه پس از اعلام جمهوری این کشور به طور منسجم مطرح شد و در پی جنگ جهانی دوم، اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اضافه گردید و تبعات آنها اصلاحاتی را در زمینه های آزادی های عقیده، مذهب و... به همراه آورد. اهمیت حقوق شهروندی تا جایی است که رسیدن به یک حکومت مردم سالار و دموکرات مستلزم وجود جامعه ای است که مردم آن علاوه بر بلوغ دموکراتیک به حقوق و تکالیف شهروندی خود واقف باشند. تلاش برای استقرار دموکراسی در جوامعی که مردم آن به حقوق و تکالیف شهروندی آگاه نیستند می‌تواند موجب بروز هرج و مرج های اجتماعی شود و کیفیت زندگی در محیط‌های شهری بعنوان شاخصی در مولفه‌های مختلف در زندگی امروزه مورد نظر می باشد (برون و آلیسون^۱، ۲۰۱۳: ۷۸). به گفته احمدی و کشاورز (۱۳۹۷) شهروندی اغلب توسط حقوق و وظایف مختلف توسط نهادهای سیاسی مشخص تعریف شده است.

در حیطه حقوق شهروندی زندگی شهرنشینی، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری شهری، شهرنشینی و مدیریت شهری است. حقوق شهروندی که مجموعه قوانین و مقررات شناسایی شده در منابع نظام حقوقی ایران بود برای تحقق کامل و شایسته به همکاری و همراهی همه قوا، نهادها، مشارکت مردم، تشکل‌ها، اتحادیه های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی نیازمند است. جان راولز (۲۰۰۱) تحقق شهروندی واقعی را حاصل عملکرد یک جامعه عادل تلقی می‌کند؛ وی معتقد است شهروندی جریانی است که در متن خود، منجر به رشد شهروندی می‌شود که هم از حقوق آزادی و عدالت برخوردارند، و هم وظایفی را به منظور تضمین عدالت در جامعه، برعهده می‌گیرند. علاوه بر رعایت قوانین در چارچوب تعیین شده، به عقیده سکابی (۱۳۸۲) دو رکن اساسی حقوق شهروندی امنیت و بهداشت است. که قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تعدادی از حقوق شهروندی را اعلام داشته و تایید کرده است مه رعایت آنها ضروریست.

به عقیده مویدی و همکاران (۱۳۹۲) فضاهای عمومی شهری علاوه بر آنکه بیشترین ارتباط را با شهروندان و محیط زندگی‌شان دارند، نقش بسزایی نیز در ایجاد «هویت بخشی» و «برقراری احساس آرامش» در شهرها ایفا می‌کنند. این دسته از فضاها با در نظر گرفتن سه بعد «کالبد»، «عملکرد» و «معنا» درصدد افزایش سطح کیفیت زندگی شهری و تشویق شهروندان جهت برقراری هرچه بیشتر تعاملات اجتماعی محیط‌های شهری می‌باشند. بنابراین فضاهای عمومی شهری با موضوعی به نام انسان مواجه است که هم می‌تواند بر وی تأثیر گذارد و هم اینکه تأثیر پذیرد. لذا توجه و تلاش به منظور پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان در محیط اهمیت می‌یابد. از جمله

¹ Brown & Alison

این نیازها در زندگی شهری «امنیت» است، که با عنایت به گسترش و توسعه روزافزون شهرها و همچنین افزایش سطح تراکم جمعیتی در این محدوده‌ها از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

به طور کلی فضاهای عمومی شهری علاوه بر آنکه بیشترین ارتباط را با شهروندان و محیط زندگیشان دارند، نقش بسزایی نیز در ایجاد «هویت بخشی» و «برقراری احساس آرامش» در شهرها ایفا می‌کنند. این دسته از فضاها با در نظر گرفتن سه بعد «کالبد»، «عملکرد» و «معنا» درصدد افزایش سطح کیفیت زندگی شهری و تشویق شهروندان جهت برقراری هرچه بیشتر تعاملات اجتماعی محیط‌های شهری می‌باشند. بنابراین فضاهای عمومی شهری با موضوعی به نام انسان مواجه است که هم می‌تواند بر وی تأثیر گذارد و هم اینکه تأثیر پذیرد. لذا توجه و تلاش به منظور پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان در محیط اهمیت می‌یابد. از جمله این نیازها در زندگی شهری «امنیت» است، که با عنایت به گسترش و توسعه روزافزون شهرها و همچنین افزایش سطح تراکم جمعیتی در این محدوده‌ها از اهمیت مضاعفی برخوردار است. علاوه بر توجه به نیازهای عموم جامعه، توجهی خاص را پیرامون نیازهای سالمندان به‌ویژه از جنبه امنیتی معطوف دارند.

به بیان پاکزاد (۱۳۸۱) در تبیین مفهوم امنیت، دو بعد متمایز از هم را باید در نظر گرفت. یکی بعد «عینی» است که پارامترهای عینی محیطی و رفتاری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و دیگری بعد «ذهنی» می‌باشد که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود. البته هر دو بعد نیز می‌توانند بر یکدیگر تأثیرات مثبت یا منفی برجای گذارند که این موضوع ضرورت توجه به هر دو را در ایجاد امنیت عمومی توأمان مورد تأکید قرار می‌دهد. بر این مبنا بعد ذهنی امنیت به لحاظ تأثیر مستقیم بر میزان احساس امنیت در شهروندان از اهمیت بسزایی برخوردار است. رجب پور (۱۳۸۴) بیان کرده است که، احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم و شرایط جرم خیز در آن جامعه بازمی‌گردد و هر مقدار فراوانی جرم و شرایط جرم‌خیزی بالاتر باشد احساس امنیت شهروندان پایین‌تر است. حسینی (۱۳۸۷) بیان کرده است که، این احساس از قرارگیری انسان در شرایط محیطی به مثابه نوعی «ادراک روانی» حاصل می‌شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص با ساختار فرهنگی - اجتماعی دیگر متمایز می‌شود. لذا شکل‌گیری احساس امنیت از لحاظ روانشناختی وابسته به شرایط محیطی و از سوی دیگر نوع برداشت و سطوح ادراکی است. در واقع می‌توان احساس امنیت را حالتی دانست که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های فردی و اجتماعی افراد انجام و شخص در آن احساس ارزش، اطمینان

خاطر و اعتماد به نفس نماید. بر همین اساس به نظر می‌رسد که احساس امنیت در یک جامعه مهم تر از وجود امنیت در آن جامعه است، زیرا ممکن است شرایط امنیت مطلوبی در آن وجود داشته باشد، اما با این وجود شهروندان احساس امنیت نداشته باشند.

کلی و همکاران (۲۰۰۹) بیان کرده‌اند که یکی از مهمترین نکاتی که طراحان و برنامه‌ریزان شهری در خلق، توسعه و مدیریت فضاها و محیط‌های شهری باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند، شناخت فضاها و عوامل مختلف مؤثر در کاهش امنیت و برهم خوردن نظم شهری است. امن بودن یک فضای شهری از دو مؤلفه ایمنی و امنیت تشکیل شده است. در مؤلفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی است که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب وقوع حوادث اجتناب ناپذیر می‌شود و خطرات جان و مال شهروندان را تهدید خواهد نمود. حال آنکه مؤلفه امنیت به جرائم علیه اشخاص و اموال آنها اشاره دارد. روس^۱ (۲۰۱۰) بیان کرده است که، شرایطی را که از فصل مشترک این دو به وجود می‌آید را می‌توان به عنوان فضای شهری امن توصیف کرد بر این مبنا مفهوم فضای شهری امن در مقابل مفهوم فضای شهری ناامن قرار می‌گیرد. پدیده ناامنی دارای دو جنبه عینی و ذهنی است و کلیه عرصه‌های زندگی را در برمیگیرد. مقوله ناامنی از جنبه عینی، کلیه مظاهر ناامنی از جمله سرقت، قتل، خشونت و ... را شامل می‌شود و مقوله ناامنی از جنبه ذهنی، شامل پدیده‌هایی همچون فقر می‌باشد. در فضاهای شهری احساس امنیت شهری به این معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جا به جا شوند، با همسفریان خود ارتباط برقرار کنند، به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند. احساس امنیت به معنای خاطر شهروندان از مال، جان و.. است که خود نشانگر سازمان یافتگی، قانونمندی و باثبات بودن جامعه است.

صالحی (۱۳۸۷) بیان کرده است که، بنابراین فضای شهری امن از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های عینی و کالبدی متعدد و گسترده‌ای برخوردار است که بعضاً دارای تأثیرات متقابل نیز هستند. اما علاوه بر این‌ها یک فضای شهر امن مستلزم تعاملات اجتماعی نیز هست. گرسیا^۲ (۲۰۰۴) بیان کرده است که، چنان که آرامش و امنیت شهرها صرفاً به وسیله پلیس تأمین نمیشود. بلکه آرامش و امنیت عمدتاً به وسیله ایجاد شبکه‌ای پیچیده و تقریباً ناخودآگاهی از نظارتها و رعایت داوطلبانه هنجارها در میان خود مردم حفظ می‌شود و به وسیله خود مردم اجرا می‌گردد از همین رو امنیت در فضای شهری را می‌توان ثمره رابطه فرد با اجتماع و انطباق با هنجارهای همگانی دانست که افراد به

¹ Roth

² Garcia

عنوان یک نیاز اساسی در عرصه‌های عمومی و خصوصی خواهان برخورداری از آن هستند بنابراین الزامی است. ورکرل^۱ (۲۰۰۰) بیان کرده است که، به منظور افزایش سطح امنیت محیطها و فضاهای شهری، در هر جامعه‌ای شهروندان از طریق فرآیندهای متنوع مشارکتی با یکدیگر در ارتباط بوده و سطح سرمایه‌های اجتماعی و تعاملات را ارتقا بخشند.

فضای شهری مطلوب فضایی است که در آن عدالت شهروندی بین گروه‌های مختلف سنی و جنسی رعایت گردد و تمامی شهروندان، حتی اقشار آسیب‌پذیر، بتوانند از اینگونه از فضاها بهره‌برند. سالمندی دورانی است که کاهش توانایی‌های جسمی و از دست دادن برخی ارزش‌ها و امتیازها را به همراه دارد. سالمندان بخشی از شهروندان آسیب‌پذیر هر شهری به شمار می‌آیند و در صورتی که فضاهای شهری برای سالمندان مناسب سازی گردد، بستر رفاه بیشتری برای این قشر از جامعه پدید خواهد آمد. پیری جمعیت یکی از مهمترین چالش‌های قرن بیست و یکم است. جهان به سرعت در حال پیر شدن است. اگرچه پیری جمعیت یک پدیده جهانی است و مختص یک منطقه جغرافیایی خاص با یک کشور نیست ولی سرعت سالمندی و برنامه ریزی برای روبرو شدن با آن در مناطق مختلف فرق می‌کند.

حبیبی (۱۳۸۷) بیان کرده‌اند که برآورد نیازهای انسان با حضور وی در فضا مطرح می‌شود که در آن فضا امنیت، آسایش، ایمنی و خوشایندی مدنظر بوده و نیاز به تجهیزات و تأسیساتی دارد که بتواند امکان حضور افراد را فراهم آورد. لذا دستیابی به شاخص‌هایی به منظور سنجش احساس امنیت شهروندان در استفاده از فضاهای عمومی شهری که با سطح رضایت ذهنی و احساس آرامش آنها در ارتباط باشد؛ اهمیت می‌یابد. در صورتیکه بدون شناخت شاخصها و عوامل مؤثر و مرتبط با احساس امنیت در شهروندان، تأمین امنیت و نظم عمومی در فضاهای شهری امکانپذیر نخواهد بود. لذا شناخت این عوامل در ایجاد احساس امنیت اجتماعی، از پیش شرطهای اساسی در برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح امنیت است.

لگler^۲ (۲۰۰۷) معتقد است که شهر سالم با انسان‌های سالم معنا می‌یابد و هر دو موجب به وجود آمدن جامعه‌ای سالم و پویا خواهند شد. شهرنشینی به عنوان یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر سلامت فردی و اجتماعی شهروندان،

^۱ Werkerle

^۲ Legler

محسوب می‌شود به گونه‌ای که، سلامت انسان‌ها، تا حد زیادی تحت تأثیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی و محیطی آنها و در گرو برنامه‌ها و اهدافی است که شهر برای آن‌ها در نظر گرفته است و ارتقای سطح کیفیت زندگی شهری نیز، در گرو ارتقای سطح سلامت است. ارتقای سطح سلامت، به مثابه محور توسعه جوامع پذیرفته شده و با توجه به اهداف منشور اوتاوا، هدف نهایی همه دولت‌هاست. رشد سریع شهرنشینی و توجه به مفاهیم فیزیکی و کالبدی و غفلت از اهداف اجتماعی در طرح‌های توسعه شهری، شهرها را با چرخه نامطلوبی از عدم تعادل‌های اجتماعی - اقتصادی و زیست محیطی و در مجموع نزول کیفیت زندگی مواجه کرده است. اینک دیر بازیست که برنامه ریزان و تصمیم‌گیران شهری، بر آن شدند تا با توجه و تمرکز بر مقوله‌ی کیفیت زندگی شهری، چاره‌ای برای رهایی انسان از معضلات مذکور بیابند. علیرغم اهمیت مفهوم کیفیت زندگی در فرآیند توسعه شهری، در شهر نور واقع در استان مازندران نیز، به دلیل رشد سریع شهرنشینی و نیاز به توسعه شهری بویژه از دهه ۸۰ و نیز بواسطه ضعف نگرش مناسب در نظام هدایت و کنترل توسعه شهری، به این موضوع مهم توجه چندانی نشده و با معضلاتی چون ضعف در کیفیت و کمیت فضاها و سرانه‌های خدماتی، عمومی و رفاهی در حد استانداردهای شهری، عدم توجه به مسائل زیست محیطی و عدم تعادل میان رفاه اجتماعی و کارآیی اقتصادی (به نفع کارآیی اقتصادی) و... مواجه می‌باشد که در مجموع کیفیت زندگی شهری را با مشکل مواجه نموده است.

در زمینه روابط و حمل و نقل صادقی و همکاران (۱۳۹۱) بیان کرده‌اند که روابط اجتماعی یکی از اساسی‌ترین منابع کیفیت زندگی خواهد بود. در حال حاضر برخی تصور می‌کنند که از میزان تأثیر متغیرهای این بعد کاسته شده است. یکی از مصادیق رعایت حقوق شهروندی فراهم بودن دسترسی‌ها و وسایل حمل و نقل مختلف برای جابجایی مسافران است. یعنی تمام گزینه‌های لازم برای کسی که مثلاً از هواپیما پیاده شده و می‌خواهد بوسیله هر مورد حمل و نقل دیگر به مقصد برسد مهیا باشد. نقش حوزه‌های جاده‌ای، ریلی، هوایی و راه‌های شهری در زندگی روزمره مردم به عنوان بخش حمل و نقل و یا جابجایی مسافر، از فعالیت‌های اثرگذار دولت بوده و باید به راحتی ارتباطاتی از درون شهر به ایستگاه‌های مسافرتی یا حمل بار تجاری به شیوه هوایی، زمینی و یا دریایی وجود داشته باشد تا مسافران به این راه‌ها و پایانه‌ها دسترسی سریع و آسان داشته باشند.

به عقیده مودن (۱۹۹۷)، کالبد شهری یکی از مهمترین عناصر منظر شهری است و معانی گسترده زیبایی، جذابیت، شادابی، هویت، کارایی که ویژگی‌هایی کالبدی هستند را دربرگیرد. ساختمانها، خیابان‌ها، پارک‌ها، میدانها، مراکز خرید، باغ‌ها و فضای سبز از عناصر اصلی تحلیل‌های ریخت‌شناسانه شهرها هستند. این عناصر

به عنوان ارگان‌سهمیایی که به صورت همیشگی از آنها استفاده می‌شود و پس از آن در طول زمان تغییر شکل می‌یابند، مورد توجه قرار می‌گیرند. به عقیده آذر و غلامی پره (۱۹۹۴)، تحولات چند دهه اخیر چه در مصالح و چه در تنوع سبک‌ها و چه به دلیل سرعت در ساخت و ساز موجب شد که ضرورت توجه به نما و نیز ساماندهی فرم بدنه های شهری مورد توجه قرار گیرد. اما مسئله اصلی چگونگی برخورد با این موضوع و ابزار و روشهای مورد توافق و کارآمد است تا شناخت نیازهای استفاده کنندگان فضاهای شهری، اقداماتی موثر را در زمینه ارتقاء کیفیت فضایی - کالبدی سیمای شهرها سبب شود و زمینه ارتباط تأثیرگذار و دو سویه مردم- به عنوان صاحبان شهر - و کالبد شهر را فراهم آورد. بنابراین تأثیر الگوهای بصری فرم و بدنه بر کیفیت زندگی شهروندان می‌باشد.

صرافی (۱۳۸۱) بیان کرده است که، یکی از کارهای مهم برنامه ریزان شهری و مدیران شهرها، شناسایی نابرابری های شاخص‌های کیفیت زندگی در سطح محلات شهری است. ظهور گسترده نابرابری در برخورداری از امکانات شهری، بسیاری از برنامه ریزان و مدیران را علاقه مند به شناسایی کمیت و کیفیت چگونگی تعادل بخشی کیفیت زندگی در مقیاس محلات کرده است. در واقع نتایج کار در بهبود ساماندهی نواحی و محلات محروم شهر و به ایجاد فرصت برابر برای شهروندان و توسعه اجتماعی - اقتصادی کمک می‌کند. تفاوت‌های فضایی موجود در ساختار شهرها و فقر شدید گروه‌های اجتماعی و در نهایت انتقال پدیده فقر روستایی به فقر شهری، موجب اسکان غیررسمی در درون یا مجاور شهرها به ویژه شهرهای بزرگ به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه شهرسازی با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی می‌شود. این گونه سکونتگاهها به علت غیررسمی بودن، از برنامه ریزی، طراحی شهری و خدمات عمومی محروم هستند.

به طور کلی در جهان شاخص‌های سنجش کیفیت زندگی شهری به دو دسته عینی و ذهنی تقسیم می‌شوند که شاخص‌های ذهنی عمدتاً مبتنی بر پاسخ‌های روان- شناختی شامل، رضایتمندی زندگی، رضایتمندی شغلی، شادی فردی و سایر موارد می‌باشند و شاخص‌های عینی مبتنی بر سنجش کمیت‌های فیزیکی است. مثلاً استانداردهای زندگی، وضعیت سلامت جسمی، درآمد و سایر موارد این چنینی. در ایران بررسی دو مقوله حقوق شهروندی و کیفیت زندگی غالباً براساس تجارب جهان غرب و با تکیه بر شاخص‌های پژوهشگران غربی صورت می‌گیرد. در اغلب تجارب داخلی به این موضوع تأکید می‌شود که کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چند بعدی است که تحت تأثیر مولفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد، و از این رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف بر

آن مترتب است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند. بنابراین کیفیت زندگی، واژه‌ای پیچیده در ارتباط با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک ناحیه است. در برگزیده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد (شاخص‌های ذهنی)؛ در برخی موارد، رضایت‌های اجتماعی نیز نامیده می‌شود.

به عقیده لطفی و سلیمانی^۱ (۲۰۰۹) بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای، یکی از مهمترین اهداف سیاست‌های عمومی آن جامعه است. در سال‌های اخیر مطالعات کیفیت زندگی عمدتاً بر محیط شهری و کیفیت زندگی شهری تمرکز کرده است. بدون شک تمایل جمعیت در سرتاسر جهان برای تمرکز در شهرها، یکی از دلایل اصلی توجه به مفهوم کیفیت زندگی در تحقیقات است. دلیل مهم برای چنین توجه‌ای به مفهوم کیفیت زندگی، در سؤال برای تخصیص مؤثر منابع محدود و کمیاب نهفته است. همچنین یافته‌های لی^۲ (۲۰۰۸) کیفیت زندگی می‌تواند برای بازشناسی استراتژی‌های سیای قبلی و طراحی سیاست‌های برنامه ریزی آینده استفاده شود.

چارلوک (۲۰۰۴) کیفیت زندگی را همان بهزیستی توصیف کرده است و کارسون (۲۰۰۰) آن را مترادف با رفاه تلقی می‌کند؛ برخی هم اعتقاد دارند که مفهوم کیفیت زندگی با میزان سلامت افراد مرتبط است (آندرسون، ۲۰۰۰). کیفیت زندگی یکی از مهمترین مسائل پیش روی جهان امروز و از مباحث اساسی در تکوین سیاست گذاری اجتماعی محسوب می‌شود این مفهوم موضوعاتی چون رفاه، کیفیت زندگی سلامت محور، نیازهای اساسی، زندگی رو به رشد و رضایت بخش، فقر و مطروودیت اجتماعی، نعدوستی در میان جماعات را در بر می‌گیرد در مجموع کیفیت زندگی را می‌توان در قالب مفهومی پیچیده و چند بعدی شناخت که تحت تاثیر مولفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد اصولاً کیفیت زندگی در رابطه با شرایط جمعیت در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، بخش و ...) است که هم متکی بر شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی بر شاخص‌های عینی یا کمی می‌باشد. کیفیت زندگی شهری معمولاً از طریق شاخص‌های ذهنی حاصل از پیمایش و ارزیابی ادراکات و رضایت شهروندان از زندگی شهری و یا با استفاده از شاخص‌های عینی حاصل از داده‌های ثانویه و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها اندازه گیری می‌شود. لذا نگرانی درباره کیفیت زندگی مدرن از خصوصیات جامعه معاصر است که می‌تواند تابعی از کیفیت محیط باشد. همچنین تنزل در کیفیت محیط شهری می‌تواند نتیجه بعضی فعالیت‌های

^۱ Lotfi & Solaimani

^۲ Lee

اقتصادی باشد. زمانی که جمعیت شهری افزایش می‌یابد افزایش فعالیت‌ها از محدوده‌های قابل تحمل در مناطق شهری تجاوز می‌کند.

مصادیق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی یا حقوق شهروندی گستره وسیعی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فردی شهروندان را در بر می‌گیرد و مسلماً تحقق مجموعه آنها مستلزم پیش شرط‌هایی است که بدون آنها نمی‌توان به تحقق حقوق شهروندی امیدوار بود. باید گفت که بحث راجع به حقوق شهروندی تابعی است از تحقق مفهوم شهروندی و به رسمیت شناختن آنها. نکته دیگر این که حقوق شهروندی چیزی نیست که از سوی حاکمیت به مردم اعطا شود بلکه در نزد شهروندان واقعی ثابت و محفوظ است و این یکی از ویژگی‌هایی است که شهروندی با دارا بودن آن شکل می‌گیرد و کیفیت زندگی نیز مفهومی است قابل درک برای شهروندان که با ارتقا آگاهی و دانش شهروندان از حقوق خود می‌توانند کیفیت زندگی را در شهر را افزایش دهند توجه به نتایج حاصله از پژوهش حاضر می‌توان به این نتیجه رسید که رابطه معنادار بین حقوق شهروندی و کیفیت زندگی وجود دارد و موضوع مورد بحث از نقطه نظر خبرگان و شهروندان نیز نتیجه یکسانی در بردارد در مجموع می‌توان گفت که شهروندی از مفاهیم کلیدی در شناخت و توصیف جایگاه و وضعیت انسان امروزی است. می‌توان به درستی نشان داد آنچه انسان معاصر را از انسان قرون گذشته متمایز می‌سازد هویت شهروندی اوست. شهروندی یک مفهوم پویا است و ناشی از بستر سازی «اجتماعی، فرهنگی، فن‌آوری، حقوقی و سیاسی» است.

در طول چند دهه گذشته اندازه‌گیری کیفیت درک شده از زندگی شهری و محیط‌های مسکونی یکی از زمینه‌های پژوهش برای پژوهش در زمینه شهرسازی بوده است. نگرانی بر کیفیت زندگی مشخصه جامعه معاصر است، تفسیر اجتماعی از همه انواع اشاره به کیفیت زندگی مدرن است. دلیل عمده برای این علاقه رو به رشد مسائل مربوط به کیفیت زندگی در حال وفور در جوامع مدرن که در آن نگرانی بیش از کیفیت زندگی تا متناسب با پیشرفت‌های فن‌آوری و افزایش در درآمد افزایش یافته است. به گفته بسیاری از کارشناسان، این روش جایگزینی برای درک بیشتری از اندازه‌گیری وضعیت و موقعیت تعیین شده جمعیت محلی، منطقه‌ای، ایالتی، ملی یا بین‌المللی در محدوده مجاز است. مزایای سیستم‌های شاخص کلیدی کیفیت زندگی سر راست بودن آن، اینکه براساس ترجیحات و نظرات با ابعاد انسانی برای اندازه‌گیری پیشرفت در مناطق، درباره موضوع گسترده برای ادغام شاخص‌هایی که در نظر و ارزش‌های مردم و یا سیاست‌اجازه می‌دهد می‌باشد. رفاه یا کیفیت زندگی از یک جمعیت یک نگرانی مهم در

اقتصاد و علوم سیاست است. این که کیفیت زندگی توسط بسیاری از عوامل اجتماعی و اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود بخش بزرگی از سطح زندگی، میزان پول و دسترسی به کالاها و خدمات است که در یک فرد نسبتاً به آسانی اندازه‌گیری است. و دیگری مانند آزادی، شادی، هنر، بهداشت محیط زیست، و نوآوری به مراتب در اندازه‌گیری سخت‌تر است. این عدم تعادل اجتناب‌ناپذیر برنامه‌ها و سیاست‌هایی را ایجاد می‌کند که نادیده گرفتن اقدامات دیگر برای برنامه‌ریزی بسیار دشوار است. سیف‌الدین (۱۳۸۱) بیان کرده است که، امروزه توجه به کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی که ریشه در سنت برنامه‌ریزی انگلستان دارد، در طراحی فیزیکی، تجزیه تحلیل و دخالت، آشکار است. پیسونی در سال ۱۹۹۵ تعریف می‌کند، اصلاح کیفیت زندگی به طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند (نظیر آلودگی و کیفیت مسکن) و همچنین به برخی شرایط شخصی افراد (نظیر سلامت و میزان تحصیلات) اشاره دارد. معنای عبارت کیفیت زندگی تفاوت یک معامله خوب است که از عبارت‌های مختلفی استفاده می‌شود، اما به طور کلی برای اشاره به دو شرایط محیطی که در آن مردم زندگی می‌کنند. به عنوان مثال هوا و آلودگی آب، یا مسکن ضعیف برای آن و یا به برخی از ویژگی‌ها از خود مردم (از قبیل سلامت یا دستاورد آموزشی) در نظر گرفته شده است. کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تنظیم می‌کند، مفهوم‌سازی شود. همچنین کیفیت زندگی می‌تواند به عنوان (رابطه بین ادراکات فردی و احساسات مردم با تجربه‌های آنها در درون فضایی که در آن زندگی می‌کنند) تعریف شود. تعریف جغرافیایی کیفیت زندگی شامل مفهوم رفاه فردی است، اما تمرکز بیشتر در مکان‌های زندگی افراد است. تعریف جغرافیایی شامل هر دو اقدامات عینی و ذهنی از شرایط اجتماعی و زیست محیطی را در یک محل و چگونگی این شرایط مردم زندگی می‌کنند به عنوان کیفیت منحصر به فرد زندگی وجود دارد نباید صرفاً تمرکز بر روی جنبه‌های رفا شخصی بلکه باید شامل موضوعات مربوط به رفاه اجتماعی باشند. همانطور که این مؤلفان تأکید کرده‌اند، مردم با یکدیگر در ارتباطند و شرکت آنها در جامعه نیز تأثیراتی بر رفاه یکدیگر دارند؛ بنابراین درک بهتر جنبه‌های مربوط به روابط بین فرد و اجتماعی و چالش‌ها ضروری به نظر می‌رسد. شواهد تجربی قوی که رضایت از زندگی یک عامل تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر عملکرد روزانه حرفه‌ای وجود دارد هنگامی است که مردم در زندگی خود احساس خشنودی کنند آنها تمایل به فکر باز و خلاق دارند. در مقابل کسانی که ارزیابی منفی از زندگی خود دارند اغلب به یک چشم انداز ضعیف و الگوهای فکری محدودتری دارند. کمپ و همکارانش معتقدند که توافقی در ادبیات کیفیت زندگی وجود

دارد که بر اساس آن مولفه های فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی اساس اجتماع محلی را تشکیل می دهند و این مولفه ها به طور سیستماتیک برای معرفی محتوای مفاهیم قابلیت زیست پذیری، پایداری و کیفیت زندگی استفاده شده اند. کیفیت زندگی فراتر از مفهوم نیازها، در ارتباط با فرایندها و دستاوردهای خود مختاری و تحقق فردی قابل طرح است. کیفیت زندگی شهری در ایران به شدت از شهر شدن جامعه متأثر است. شهرنشینی کمی سهم و سرانه بسیاری از شاخص های کیفیت زندگی شهری را پایین آورده، تغییرات آن را کنترل کرده و از این طریق بر جنبه های اجتماعی شهرنشینی تأثیرات جدی گذاشته است. فراهم آوردن کار مولد و کیفیت بهتر زندگی برای نسل های حال و آینده در کشورهای در حال توسعه، مستلزم رشد چشمگیری در درآمد و بهره وری در این کشور هاست. این وظیفه همچنین نیازمند مدیریت مسائل و فرصت های اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی هم زمان با گذر به جهانی با جمعیت عمدتاً شهرنشینی است.

حسینی و شیرانی (۱۳۹۷) بیان کرده اند که بدون مدیریت شهری نمی توان یک شهر را اداره کرد. ارتقاء کیفیت زندگی شهری هدف مهم بسیاری از مدیران شهری می باشد و به عنوان شاخصی برای نقش و نظارت بر عملکرد مدیران و تصمیم گیران شهری تبدیل شده است. وجود مشکلاتی مانند ضعف وسایل حمل و نقل، اقتصاد یا درآمد، اتلاف وقت شهرنشینان در ترافیک، فرصت های کم و موقعیت های شغلی نامناسب، آسیب های اجتماعی، آلودگی ها، تغذیه ناسالم، کمبود فضاهای سبز و ورزشی، کمبود امکانات فرهنگی و اجتماعی، کمبود امنیت و... زندگی در شهرها را با مشکلات فراوانی مواجه کرده است و لزوم توجه به ارتقای کیفیت زندگی در شهرها بیش از گذشته نمایان است. فرصت های شغلی، امکانات آموزشی، تفریحی و بهداشتی، هزینه و درآمد و اشتغال شهروندان بسیاری از مشکلات شهروندی را حل و فصل خواهد کرد. حل مشکلات و بهبود وضعیت اقتصادی نه تنها شاخص اقتصادی کیفیت زندگی شهروندان را به سطح مطلوبی می رساند که به طور مستقیم بر بالا رفتن سطح کیفی شاخص های دیگری همچون مسکن، فرهنگ، جمعیت و... تأثیر خواهد داشت.

حقوق شهروندی

اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱ قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی ملل متحد به امضای کشورها رسید، در بسیاری از مواد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و

شهروند فرانسه الهام گرفته است (Mohseni, 2010, 117). این حقوق از بنیادی ترین حقوق انسان است. حق زندگی، حق آزادی، زندگی مطلوب و مناسب، حق تعلیم و تربیت و معیشت، حق مشارکت و حق تعیین کنندگی و... جزء حقوق شهروندی‌اند (Georgian, 2004: 26).

حقوق شهروندی به طور خلاصه عبارت‌اند:

۱- حق اعمال اراده و اختیار و پذیرش حکومت و تعیین سرنوشت، ۲- مساوات در برخورداری از حقوق؛ ۳- حق مساوات در حمایت شدن از طرف قانون؛ ۴- حق امنیت؛ ۵- حق اشتغال و کار کردن؛ ۶- حق برخورداری از تأمین اجتماعی؛ ۷- حق برخورداری از آموزش رایگان؛ ۸- حق برخورداری از مسکن و سرپناه و ۹- حق دادخواهی از حقوق (سیدآبادی، ۱۳۸۳: ۱۰ و ۹). دو رکن اساسی حقوق شهروندی امنیت و بهداشت است، یعنی هر شهروندی حق دارد که از امنیت جانی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن برخوردار باشد و یا هر شهروندی حق دارد که خود را در خطر شرایط غیربهداشتی شهرها مثل هوای بد و غذای بد نبیند. در این باره اغلب مردم وظایفی نسبت به یکدیگر دارند. شهروندی از یک سو واجد ابعاد سیاسی و ساختاری است و از سوی دیگر ابعاد عاطفی را دربر میگیرد که با فرهنگ و هویت های فردی ارتباط دارد. در کمترین سطح آن شهروندان می‌بایست نسبت به مسئولیت‌ها، حقوق و هویت‌های متفاوت وجود آگاهی و شناخت داشته باشند. کسب این شناخت آشکارا مستلزم آموزش حقوق انسانی و فراهم شدن محیطی برای یادگیری است. که در آن مجال جست و جو و تقویت احساسات و انتخاب‌های افراد فراهم باشد. با این حال این کمترین سطحی است که شهروندان از آن برخوردارند. مادام که ادغام واقعی در جامعه محقق نشود و حداقل درآمد، امنیت و مشارکت فعال شهروندان تأمین نگردد. اعضای جامعه نخواهد توانست حقوق خود را طلب کنند (ذکایی، ۱۳۸۲: ۱۵).

شاخص‌های حقوق شهروندی

رزاق‌پور در نگاهی به حقوق شهروندی شاخصه اصلی حقوق شهروندی را آزادی‌هایی که افراد یک جامعه از آن بهره‌مند هستند، می‌داند (رزاق‌پور، ۱۳۹۰: ۹۱).

در منشور سازمان ملل حقوق شهروندی معادل حق برابری، آزادی، عدالت و مسکن است.

ویتزناپیرو و وینترز در سال ۲۰۰۸ مشارکت سیاسی را یکی از شاخصه‌های حقوق شهروندی معرفی کردند که منجر به افزایش رضایت از زندگی و شادی می‌شود. ذکایی معتقد است دو رکن اساسی حقوق شهروندی امنیت و بهداشت است، یعنی هر شهروندی حق دارد که از امنیت جانی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن برخوردار باشد و

یا هر شهروندی حق دارد که خود را در خطر شرایط غیربهداشتی شهرها مثل هوای بد و غذای بد نبیند. در این باره اغلب مردم وظایفی نسبت به یکدیگر دارند. شهروندی از یک سو واجد ابعاد سیاسی و ساختاری است و از سوی دیگر ابعاد عاطفی را دربر می‌گیرد که با فرهنگ و هویت‌های فردی ارتباط دارد. در کمترین سطح آن شهروندان می‌بایست نسبت به مسئولیت‌ها، حقوق و هویت‌های متفاوت وجود آگاهی و شناخت داشته باشند. کسب این شناخت آشکارا مستلزم آموزش حقوق انسانی و فراهم شدن محیطی برای یادگیری است. که در آن مجال جست و جو و تقویت احساسات و انتخاب‌های افراد فراهم باشد. با این حال این کمترین سطحی است که شهروندان از آن برخوردارند. مادام که ادغام واقعی در جامعه محقق نشود و حداقل درآمد، امنیت و مشارکت فعال شهروندان تأمین نگردد. اعضای جامعه نخواهد توانست حقوق خود را طلب کنند(ذکایی، ۱۳۸۲: ۱۵).

شهروندی به عنوان مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات در یک جامعه ملی، یکی از نهادهای اساسی جوامع معاصر است. افراد جامعه در رابطه با دولت، دارای سه گونه حقوق مدنی(آزادی‌های شخصی، آزادی بیان، اندیشه، عقیده، حق مالکیت شخصی، حق انعقاد قرارداد، حق برخورداری از قضاوت عادلانه‌ی قانونی)، سیاسی (حق رای، مشارکت در امور سیاسی و کسب مقام‌های سیاسی، و اجتماعی (برخورداری از آموزش، بهداشت و مسکن، بیمه بیکاری و...) هستند. تحقق و توسعه فرهنگ شهروندی، مستلزم آگاهی از حقوق شهروندی است؛ آگاهی از حقوق شهروندی به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت درقبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تعهدات حاکمیت است(Pourezzat et al, 2010: 13). به عبارت دیگر آگاهی از حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از افکار، عقاید و حساسیت نسبت به زندگی و توجه به هرآنچه که در وسیع‌ترین معنا به امور عمومی اعم از سیاسی و یا اجتماعی مربوط می‌شود، است(Akhtar Mohagheghi, 2006: 12). آگاهی از حقوق شهروندی هم باعث می‌شود مطالبه‌گری از دولت در راستای اعطای حقوق شهروندی افزایش یابد و هم با افزایش تعهدات شهروندان به دولت و جامعه، مشارکت را در حوزه‌های مختلف افزایش می‌دهد(احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱).

کیفیت زندگی

تاریخچه پیدایش مفهوم کیفیت زندگی به دوران ارسطو در ۳۸۵ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. در آن دوران ارسطو "زندگی خوب" یا "خوب انجام دادن کارها" را به معنی شاد بودن در نظر گرفته است، لیکن در عین حال به تفاوت مفهوم شادی در افراد مختلف پرداخته است و ذکر نموده است سلامتی که باعث شادی در یک فرد بیمار می

شود با ثروت که فرد فقیری را شاد می‌کند یکسان نیست و به طور مشخص بیان نموده است که شادی نه تنها برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد بلکه برای یک فرد نیز در شرایط متفاوت معنی یکسانی نخواهد داشت. به هر حال در آن زمان شادی یا شادمانه زیستن معادل با آنچه که امروز کیفیت زندگی نام دارد تلقی می‌شد؛ ولی اصطلاح "کیفیت زندگی" تا قرن بیستم مورد استفاده قرار نگرفته بود. به مرور زمان محققین متوجه شدند که کیفیت زندگی می‌تواند یکی از پیامدهای پراهمیت در ارزیابی‌های سلامت باشد، چنانچه تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت نیز به این نکته تاکید دارد (Fayers P M, 2000:56). با توجه به تعریف تندرستی توسط سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۸ میلادی، مبنی بر ابعاد وسیع آن به شکل رفاه کامل فیزیکی، روحی و اجتماعی و نه فقط عدم وجود بیماری، لازم است اندازه‌گیری سلامت و ارزیابی مداخلات بهداشتی علاوه بر شاخص‌های فراوانی و شدت بیماری به سایر ارزش‌های انسانی مانند کیفیت زندگی نیز توجه کند. امروزه در مقایسه اثر بخشی و ارزش نسبی درمان‌های متفاوت، تحقیقات، سیاست‌گذاری‌های بهداشتی، ارزیابی خدمات بهداشتی، درمان بیماران و بهبود رابطه پزشک و بیمار می‌توان کیفیت زندگی را به عنوان یک پیامد پر اهمیت اندازه‌گیری نمود (Bonomi A, 2000: 53). ابزارهای زیادی برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی طراحی شده است.

کیفیت زندگی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بهزیستی و رفاه اجتماعی، یکی از دستاوردها و ستانده‌های مهم توسعه محسوب می‌گردد. سابقه‌ی این مفهوم نیز به واکنش‌هایی برمی‌گردد که مخالف رشد اقتصادی بودند. از آنجایی که مساله اصلی در تمام برداشت‌هایی که از کیفیت زندگی وجود دارد این است که «مجموعه اقدامات و سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه‌های گوناگون، چه اثری بر مخاطب این سیاست‌ها می‌گذارد؟ و آنها چگونه چنین سیاست‌هایی را تجربه می‌کنند؟» از این رو مطالعات مربوط به کیفیت زندگی به خاطر توجه همزمان هم به آثار عینی (ستاندها) و هم به آثار ذهنی (دستاوردها) سیاست‌های به اجرا گذاشته شده می‌توانند از اهمیت به‌سزایی در ارزشیابی سیاست‌های اجتماعی برخوردار باشند. مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهند که گسترش و تسهیل شبکه‌های ارتباطات و پیوندهای اجتماعی سطح دسترسی افراد و گروه‌ها را به منابع اقتصادی و اجتماعی ارتقا می‌دهند. این پیوندها و ارتباطات در اشکال متفاوت خود، یعنی به صورت درون گروهی و برون گروهی، باعث می‌شود که عناصر موجود در جامعه به هم اتصال یابند و کنش‌های جمعی از قبیل تعاون، حمایت‌های اجتماعی و ... تسهیل گردد. کنش‌های جمعی و حل مساله به‌صورت گروهی باعث استفاده‌ی بهتر از منابع اجتماعی، تقلیل هزینه‌های اجتماعی و افزایش کارآیی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و عمرانی در سطح جامعه می‌گردد. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که

عدم کارآیی بسیاری از برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیاده شده در برخی مناطق جغرافیایی، مرتبط با کیفیت روابط و پیوندهای موجود در بین مردم با همدیگر و با ارگان‌های رسمی و هنجارهای تثبیت کننده‌ی آنها بوده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که کیفیت زندگی در ابعاد متفاوت خود (کیفیت محیطی، روانی، فیزیکی، اجتماعی، جسمی و روحی) شدیداً متأثر از کیفیت ارتباطات و پیوندهای اجتماعی می‌باشد (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸).

شاخص‌های کیفیت زندگی شهری

در سطح شهری، یافتن امتیازات و شاخص‌های کیفیت زندگی شهری می‌تواند برنامه‌ریزان را در محک زنی و ارزیابی مقایسه‌های کیفیت زندگی سایر شهرها با استفاده از مطالعات قبلی مشابه در یک شهر یا ناحیه مشخص یاری کند. پروژه‌های مقایسه‌ای کیفیت زندگی شهری (بر مبنای نتایج و شاخص‌های یک شهر یا ناحیه مشخص) بطور رایج در بسیاری از کشورها چون استرالیا (Stokie, 1998,490) و آمریکا (Besleme & et al. 1998,235) انجام شده است. به هر روی هرچند که شناخت و ارزیابی و مطلوبیت بخشیدن به کیفیت زندگی شهری اما همانند کیفیت زندگی، ورای یک شاخه علمی خاص قرار می‌گیرد (شکویی، ۱۳۸۵: ۱۶) دارای تعاریف متفاوت و حتی چندان‌های است که بعضی از مهمترین آن‌ها به شرح زیر هستند: بعضی مطالعات شاخص کیفیت زندگی محله یا واحد همسایگی^۱ را به عنوان یک اتصال در جایی که شاخص‌های رفاه و خوشی اجتماعی^۲، مشخصات و خصوصیات زمین^۳ تبهکاری و پهنه قدرت اقتصادی^۴ همگی در نظر گرفته شده اند، مطرح می‌کنند (Boelhouwer, 2000, 5 & Schyns). کیفیت زندگی شهری ممکن است احساس خوبی باشد از ترکیبی از عوامل مرتبط با حس مکان یا هویت مکان از قبیل خوانایی، خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی (Profect & etal, 1992 134) کیفیت زندگی شهری معمولاً هم توسط شاخص‌های ذهنی و با استفاده از پیمایش‌هایی در جهت جمع آوری ادراکات ذهنی و ارزیابی‌ها و میزان رضایت شهروندان از زندگی شهری و هم توسط شاخص‌های عینی و با استفاده از داده‌های ثانویه و وزن دهی مربوط به هر شاخص در محیط شهری انجام می‌پذیرد (McCrea & et al. 2004. 1). کیفیت زندگی شهری علاوه

1 - Neighborhood QOL

2 - Social well being

3 - Physical Characteristics

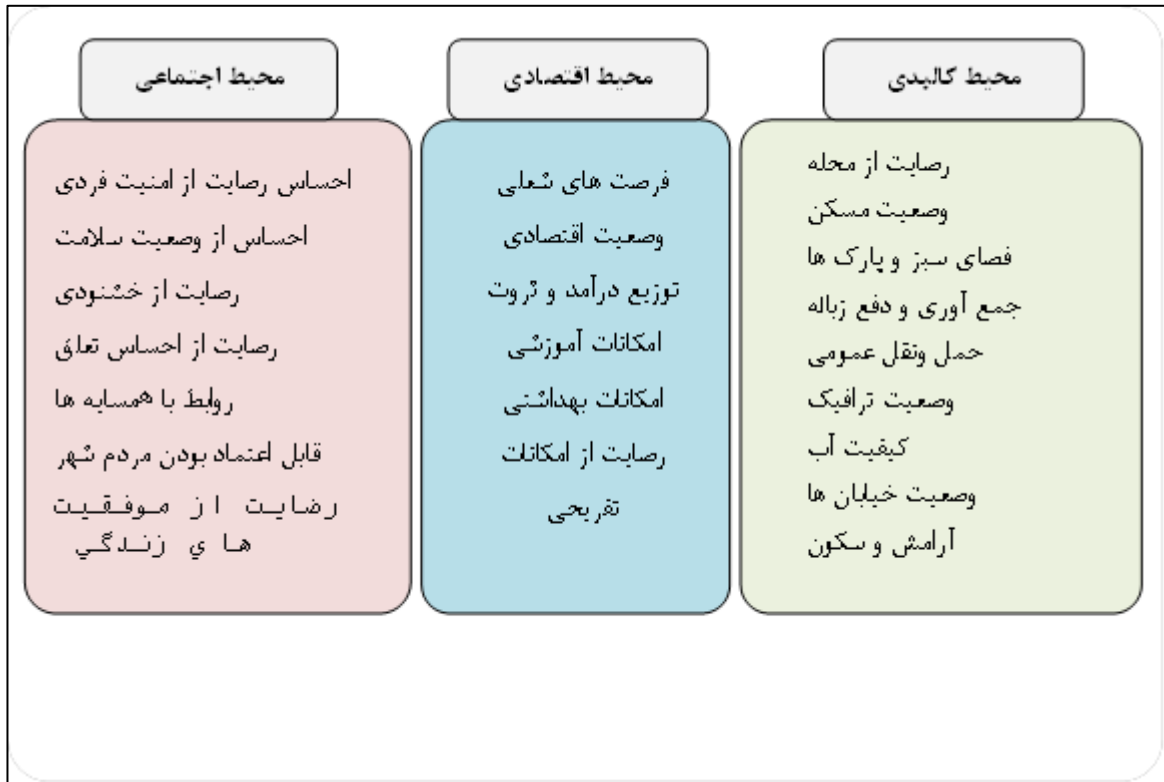
4 - Economic Vitality Area

بر وضعیت فرد از نظر پایگاه اجتماعی، اقتصادی، سلامت و غیره به معنا و احساس رضایتی که فرد از زندگی دارد، بستگی دارد.

با توجه به مطالب و تعاریف فوق و عناصر مهم و اصلی آن‌ها، در مجموع می‌توان کیفیت زندگی شهری را به شکل زیر و بصورت عملیاتی تعریف نمود: "کیفیت زندگی شهری، واژه‌ای دربردارنده دو دسته از شاخص‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است که با توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی به دنبال برنامه‌ریزی تامین نیازهای مادی و معنوی زندگی شهروندان و رضایتمندی حداکثری آنان از زندگی می‌باشد. در این راستا کیفیت محیط که بخشی از قابلیت‌های محیط می‌باشد بر اساس ادراک محیطی افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد. ادراک محیط فرایندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود بر می‌گزیند. لذا می‌توان آن را هدفمند دانست، که به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک کننده بستگی دارد. در حقیقت ادراک محیطی، از تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان تجربه شده اند حادث می‌شوند. در این فرایند نقش محیط به عنوان عامل اساسی در رشد، توسعه و در نهایت در یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد (مطلبی، ۱۳۹۰: ۵۶).

با جمع‌بندی این مطالب و تعاریف و شناختی که از کیفیت زندگی به عنوان مفهوم مادر و پایه سایر مفاهیم منتج از آن بدست می‌آید می‌توان به شناخت و بررسی مفهوم جزئی تر و البته جدید و مهم کیفیت زندگی شهری پرداخت. هرچند که کیفیت زندگی شهری مفهومی جدا از کیفیت زندگی نیست و در واقع تعریف و مصادیقی از کیفیت زندگی در حوزه شهر و مسایل مربوط به آن است و قطعاً محدودتر، اما گسترده‌تر، مسایل و مشکلات شهری و پیوند خوردن شهر با تقریباً تمامی مسایل و علوم روزمره و زندگی انسانی و غالب شدن شکل زندگی شهری در بین جوامع انسانی، کیفیت زندگی شهری را به اهمیت و جایگاه بالایی رسانده است. شاخص‌های کیفیت زندگی شهری را می‌توان در سه محیط کالبدی، اقتصادی و اجتماعی بررسی نمود.

شکل ۱. نمودار شاخص های کیفیت زندگی شهری



منبع: (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۲).

مفهوم کیفیت زندگی مرکب از شاخص ها و مولفه های متفاوتی است که در سال ۱۹۳۰ مطرح شد و در ایران نیز در اسناد فرادستی چون سند چشم انداز بیست ساله و در برنامه های توسعه به آنها اشاره شده است. حقوق شهروندی در حوزه ادبیات شهری گم شده است و شاید آن گونه که شایسته بوده به این مقوله پرداخته نشده، ضمن اینکه مفهوم نو و تازه ای است و شهروندان هم نسبت به مصادیق حقوق شهروندی اطلاعات کافی ندارند و تکالیف خود را نیز نمی دانند. حقوق شهروندی صرفا با تصویب قوانین محقق نمی شود و پس از تدوین و تصویب قوانین باید زمینه های اجرایی آن نیز فراهم شود. آموزش های همگانی در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی، ضروری است چرا که مردم باید حقوق خود را بشناسند و بدانند از چه طریقی می توانند آنها را پیگیری کنند. حقوق شهروندی مجموعه ای از قوانین و مقررات، شامل تکالیف و حقوق ملی است که هر کشوری و حاکمیتی برای شهروندان و تبعه خود در نظر می گیرد. برخی از مصادیق حقوق شهروندی در قوانین مختلف همچون در قانون

اساسی، قانون مدنی، قانون ثبت، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و قوانین دیگران مصادیق حقوق شهروندی به صورت پراکنده آمده است.

از جمله مهم‌ترین حقوق شهروندی عبارت است از حق حیات و سلامت و بهره‌مندی از مراقبت بهداشتی و درمانی، حق آزادی بیان و اندیشه، حق به رسمیت شناختن مالکیت افراد، حق آزادی قومی - قبیله‌ای و زبان و فرهنگ، حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش، حق اشتغال مناسب، حق برخورداری از حریم خصوصی، حق برخورداری از خدمات عمومی، حق مراجعه به مراجع قضایی برای دادخواهی، حقوق تامین اجتماعی و حقوق زنان و کودکان و اقشار مختلف از جمله موارد و مصادیق حقوق شهروندی است که باید یک به یک تشریح شود که منظور چه حقوق و تکالیفی است. با توجه به گستردگی ابعاد حقوق شهروندی آنچه که در این پژوهش به عنوان شاخص‌های حقوق شهروندی انتخاب شده است، مولفه‌ها و شاخص‌هایی است که در سال ۱۹۹۲ مارشال معرفی نموده و به عنوان جامع‌ترین شاخص‌های حقوق شهروندی شناخته می‌شود.

جدول ۱. شاخص‌های حقوق شهروندی

ردیف	نوع حقوق	شاخص
۱	مدنی	آزادی
۲	سیاسی	مشارکت
۳	اجتماعی	امنیت

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در این تحقیق سعی شده است که کیفیت اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر با توجه به دیدگاه‌های جامعه و جنبه ذهنی مورد بررسی قرار گیرد. مناسب‌ترین روش برای این منظور اینست که مستقیماً از افراد در مورد احساسشان از زندگی و ویژگی‌های جامعه‌شان سوال شود؛ لذا شاخص‌های کیفیت زندگی عبارتند از:

شاخص‌های فیزیکی - کالبدی

منظره پایدار محیط زندگی از مهمترین موضوعات جهت بالابردن سطح کیفی فضای زندگی شهروندان است. توجه به معماری ساختمان‌ها، همگنی، همجواری، هم پیوندی و تفکیک مناسب فضا و کالبدها باعث بالا رفتن سطح کیفی زندگی شهروندان از طریق آرامش ذهنی و دیداری آنهاست.

توجه به مسایل فیزیکی و کالبدی و دفع زباله و پسماندها و سیستم‌های بازیافت و فاضلاب‌های خانگی و صنعتی و همچنین خطرهای طبیعی مانند سیل و زلزله و... آنقدر مهم و مشهود است که لزومی به پرداختن به ضرورت آن

نیست. بخصوص با توجه به توسعه و پیشرفت تکنولوژی و تولید مواد غیر طبیعی و مصنوعی، نیاز به توجه بیشتر به این موضوع، مبحث بسیاری از دانشمندان می باشد. حتی برخی نویسندگان این دوره را عصر محیط زیست می نامند. باید توجه داشت که زندگی و بالندگی شهروند و شهرها به شدت با حفظ کیفیت محیط زیست شهری، کیفیت آب، کیفیت حمل و نقل عمومی، فضای سبز و پارکها و ... و تضمین و تداوم سلامت آن پیوند خورده است. همچنین یکی از مهمترین شاخصهای کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ و پرتراکم کنونی، توسعه زیرساختها و تأسیسات و تجهیزات شهری است که عدم وجود آنها نه تنها سطح کیفی زندگی را کاهش می دهد که بدون آنها زندگی بشری به شکل امروزی اصلاً ممکن نیست. ایجاد راههای ارتباطی، ترافیک، وضعیت کلی محلات، وضعیت خیابانها و مسکن از مهمترین مقیاسهای قابل بررسی در این شاخص است.

- شاخصهای اجتماعی و روحی-روانی

شهروندی که دچار مشکلات سلامتی و بهداشت است، توانایی بهره‌گیری کیفی از هیچکدام از شاخصهای کیفیت زندگی را ندارد. این که مبحث کیفیت زندگی ابتدا در مورد بیماران جسمی و روانی و حل مشکلات آنان و افزایش سطح کیفی زندگی آنان مطرح شده، بیانگر اهمیت شاخص سلامتی و بهداشت در حفظ کیفیت زندگی است. یکی از راهکارهای ایجاد سلامتی روحی و جسمی، استفاده از امکانات تفریحی و سرگرمی های مناسب می باشد. محیط زندگی و کاری و اجتماعی شهروندان سرشار از مشکلات، برخوردها و درگیری می باشد. شهروندان برای تخلیه فشارها و استرس های روانی و ایجاد آرامش ذهنی و جسمی نیاز به استفاده از امکانات تفریحی و سرگرمی و استراحت دارند. تفریحات و سرگرمی ها برای دور شدن از فشارهای ناشی از عدم رعایت استاندارد سطوح کیفی لازم در دیگر شاخصهای کیفیت زندگی شهروندان است. توجه به زیرشاخصهای اجتماعی و روحی-روانی، موجب ایجاد احساس خشنودی، تعلق مکانی، احساس امنیت فردی، احساس موفقیت، و بهبود وضعیت سلامت شهروندان می شود.

- شاخصهای اقتصادی

تامین حداقل نیازهای اقتصادی شهروندان، از مهمترین شاخص های مدیریت کیفیت زندگی شهروندان می باشد. فرصت های شغلی، امکانات آموزشی، تفریحی و بهداشتی، هزینه و درآمد و اشتغال شهروندان بسیاری از مشکلات شهروندی را حل و فصل خواهد کرد. حل مشکلات و بهبود وضعیت اقتصادی نه تنها شاخص اقتصادی کیفیت زندگی

شهروندان را به سطح مطلوبی می‌رساند که به طور مستقیم بر بالا رفتن سطح کیفی شاخص‌های دیگری همچون مسکن، فرهنگ، جمعیت و... تأثیر خواهد داشت.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

حقوق شهروندی یکی از پویاترین مفاهیم اجتماعی جامعه مدرن تلقی شده است. مفهوم حقوق شهروندی هر دو عنصر فردگرایی و جمع‌گرایی را در بر دارد. مفهوم حقوق شهروندی، در بردارنده وظایف و تعهدات است. شهروندی نه یک موقعیت انفعال، بلکه یک موقعیت فعال است و مبنایی عالی برای اداره امور انسان‌ها به شمار می‌رود. حقوق شهروندی با طرح این تقاضا که با همه افراد به طور برابر رفتار شود، می‌تواند ریشه‌های تنش اجتماعی را که نظم اجتماعی را تهدید می‌کند، بخشکاند. حقوق شهروندی به مدد مجموع حقوق، وظایف و تعهداتش راهی برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع، مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد. به نظر ارسطو انسان برای اینکه انسان واقعی باشد، بایستی یک شهروند فعال در جامعه باشد. کیفیت زندگی، هم به عدالت محوری ساختار اساسی جامعه و هم به کیفیت ویژگی‌ها و نگرش‌های شهروندان وابسته است. مفهوم حقوق شهروندی تعادلی را میان کیفیت زندگی و مسئولیت‌ها برقرار می‌کند.

حقوق شهروندی مفهومی است که امروزه به دلیل جامعیت و شمول در هر زمینه‌ای کاربرد دارد و به نظر می‌رسد که باید از نظر اطلاع‌رسانی نسبت به ابعاد مختلف آن اقدامات جدی صورت گیرد. تلقی مردم و عموم از حقوق شهروندی خدمات شهری است و از منظر حقوقی نیز تا کنون به لحاظ قانونی، قانون مستقلی در حوزه حقوق شهروندی وجود ندارد اگرچه در مجموع قوانین کشور ما مصادیق آن آمده است. در گذشته محققان علوم اجتماعی برای سنجش کیفیت زندگی استفاده از معرف‌های عینی فرافرهنگی مانند رفع نیازهای اولیه (غذا، سرپناه، ...) را توصیه می‌کردند. تأکید زیاد بر دیدگاه عینی منجر به غفلت از دیدگاه ذهنی شد که بسیار مهم است و در سطح فردی به کار برده می‌شود. در حالی که شاخص‌های عینی محیط زندگی و کار را تشریح می‌کنند و شاخص‌های ذهنی راه‌هایی که مردم شرایط اطرافشان را درک و ارزیابی می‌کنند را تشریح می‌نمایند. امروزه تعریف بهزیستی ذهنی به عنوان شاخص کیفیت زندگی از مطلوبیت بیشتری برخوردار می‌باشد. بدان سبب که به جای اینکه متخصصان بگویند مردم چه هنگام احساس خوشبختی می‌کنند، خود مردم درباره آن اظهار نظر می‌کنند. می‌توان به روشنی از شهروندان پرسید که تا چه حد احساس خوشبختی می‌کنند. سنجش کیفیت زندگی شهری با استفاده از این رویکرد مشکل بوده و وقت و هزینه بیشتری را نسبت به سنجش شاخص‌های عینی به خود اختصاص می‌دهد.

لیکن نتایج حاصل از آن منطقی بوده و بیشتر به واقعیت نزدیک تر است. در کیفیت زندگی شهری شاخص‌های مختلفی اهمیت دارد که شامل شاخص‌های فیزیکی-کالبدی کیفیت زندگی، شاخص‌های اجتماعی و روحی-روانی کیفیت زندگی و شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی. بنابراین هم نیازهای روحی روانی و تعامل با دیگران، هم خود فضای شهری و امکانات و در کل بافت یک شهر و هم موقعیت اقتصادی که برای مشغال و ... ایجاد خواهد شد بسیار هائز اهمیت می‌باشد.

حقوق شهروندی صرفاً با تصویب قوانین پژوهشگر نمی‌شود و پس از تدوین و تصویب قوانین باید زمینه‌های اجرایی آن نیز فراهم شود. آموزش‌های همگانی در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی، ضروری است چرا که مردم باید حقوق خود را بشناسند و بدانند از چه طریقی می‌توانند آنها را پیگیری کنند. حقوق شهروندی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات، شامل تکالیف و حقوق ملی است که هر کشوری و حاکمیتی برای شهروندان و تبعه خود در نظر می‌گیرد.

کیفیت محیط که بخشی از قابلیت‌های محیط می‌باشد بر اساس ادراک محیطی افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به تعاریف و شناختی که از کیفیت زندگی به عنوان مفهوم مادر و پایه سایر مفاهیم منتج از آن بدست می‌آید می‌توان به شناخت و بررسی مفهوم جزئی تر و البته جدید و مهم کیفیت زندگی شهری پرداخت. هرچند که کیفیت زندگی شهری مفهومی جدا از کیفیت زندگی نیست و در واقع تعریف و مصداقی از کیفیت زندگی در حوزه شهر و مسایل مربوط به آن است و قطعاً محدودتر، اما گسترده‌تر، مسایل و مشکلات شهری و پیوند خوردن شهر با تقریباً تمامی مسایل و علوم روزمره و زندگی انسانی و غالب شدن شکل زندگی شهری در بین جوامع انسانی، حقوق شهروندی و کیفیت زندگی شهری را به اهمیت و جایگاه بالایی رسانده است.

به دلیل تفاوت در سطوح توسعه، کیفیت زندگی نیز در استان‌های مختلف ایران متفاوت است. در استان‌های کمتر توسعه یافته، به دنبال سطوح پایین سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، کیفیت زندگی در سطوحی پایین قرار دارد، همچنین حقوق شهروندی مفهومی گنگ برای شهروندان به نظر می‌رسد. این در حالی است که در استان‌های غنی‌تر؛ یعنی نقاطی که نیازهای اساسی افراد به خوبی برطرف می‌گردد، کیفیت زندگی در سطح بالاتری قرار دارد. همین‌طور، خدمات با کیفیتی بالاتر در اختیار افراد جامعه قرار می‌گیرد و شهروندان مطالبه‌گر هستند. لذا نتایج این پژوهش می‌تواند ضمن ارائه ذهنیتی در خصوص موضوع و متغیرها، دیگر پژوهشگران را به تمرکز بر بررسی تاثیر حقوق شهروندان بر ارتقای سطح کیفیت زندگی آنان در شهرهای مختلف تشویق کند تا بتوان

با داده‌های بدست آمده از هر شهر جهت ارتقای میزان آگاهی شهروندان و کیفیت زندگی آنان اقدامات لازم را عملی ساخت.

منابع

پورعزت، علی اصغر، باغستانی برزکی، حوریه، نجانی آجی بیشه، مصطفی (۱۳۸۶)، الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود. فصلنامه رفاه اجتماعی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری تهران: نشر نی.

Blais, A. and Gélinau, F. (2007). *Winning, losing and satisfaction with democracy. Political Studies*, 55: 425-41.

Chandran, Kukathas. (2001) *Education and citizenship in Diverse societies. International Journal of Research*, 35, 3

Ericson, M. and Vinson, T. (2012). *Life satisfaction and happiness. Richmond, Jesuit Social Services.*

Friedmann, John. (2002). *the prospect of cities. Minneapolis: University of Minnesota Press. p 168.*

Pencek, Bruce. (2008). *Article in press (Book Reviews). Transparency: The key to better governance? Christopher Hood, David Heald (Eds.). Government Information Quaterly* 519.

Ritzer, George. (2005). *Encyclopedia of Social Theory. London: Sage Publication. P93.*

Pourezzat, A. A, et al, (2013). *The relationship between citizens' awareness of the citizenship rights and organization's accountability and transparency. Social Welfare Journal*, 10(38): 7-40. (Text in Persian).

Weitz-Shapiro, R. winters, M. S. (2008). *Political participation and quality of life. New York, Colombia University.*

Van Kamp, Irene, Kees Leidel Meijer, Gooitske Marsman, Augustinus de Hollander, 2003, *Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts: a literature study. In landscape and urban planning, No. 65, PP. 5-18.*